



دولت‌های مسلمان

دولت ایوبیان

محمد سهیل طقّوش

مترجم: دکتر عبدالله ناصری طاهری



پژوهشگاه حوزه و دانشگاه
زمستان ۱۳۹۰

طَقّوش، محمد سهیل

دولت ایوبیان / محمد سهیل طَقّوش؛ مترجم عبدالله ناصری طاهری. - قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۰.

دوازده، ۴۱۲ ص. نقشه. - (پژوهشگاه حوزه و دانشگاه: ۵۷: تاریخ اسلام؛ ۱۵)

ISBN: 978-964-93906-1-1

بها: ۱۲۰۰۰ ریال

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیپا.

کتابنامه: ص. [۳۸۷] - ۳۹۴؛ همچنین به صورت زیر نویس. نمایه.

چاپ دوم: زمستان ۱۳۹۰، بها: ۶۵۰۰۰ ریال.

۱. ایوبیان، الف. ناصری طاهری، عبدالله، ۱۳۳۹ - ، مترجم. ب. پژوهشگاه حوزه و دانشگاه. ج. عنوان.

۱۳۸۰ ۹۵/۸/ط ۷ د ۹ DT ۹۶۲/۰۲

م ۸۱-۳۲۹۴

شماره کتابشناسی ملی



دولت ایوبیان

مؤلف: محمد سهیل طَقّوش

مترجم: دکتر عبدالله ناصری طاهری

ویراستار: سعیدرضا علی عسکری

ناشر: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

حروفچینی و صفحه‌آرایی: اداره چاپ و انتشارات پژوهشگاه

چاپ دوم: زمستان ۱۳۹۰

تعداد: ۱۰۰۰ نسخه

لیتوگرافی: سعیدی

چاپ: قم - سبحان

قیمت: ۶۵۰۰ تومان

کلیه حقوق برای پژوهشگاه حوزه و دانشگاه محفوظ و نقل مطالب با ذکر مأخذ بلامانع است. قم: ابتدای شهرک پردیسان، بلوار دانشگاه، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، تلفن: ۰۲۵۱-۲۱۱۱۱ (انتشارات ۲۱۱۱۳۰۰)، نمابر: ۲۸۰۳۰۹۰، ص. پ. ۳۷۱۸۵-۳۱۵۱ • تهران: خ. انقلاب، بین وصال و قدس، نبش کوی اُسکو، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، تلفن: ۰۲۶۴۰-۶۶۴۰ و ۰۶۶۹۷۸۹۲۰

Website: www.rihu.ac.ir

Email: info@rihu.ac.ir

سخن پژوهشگاه

پژوهش در علوم انسانی [به منظور شناخت، برنامه‌ریزی و ضبط و مهار پدیده‌های انسانی] در راستای سعادت واقعی بشر ضرورتی انکارناپذیر و استفاده از عقل و آموزه‌های وحیانی در کنار داده‌های تجربی و در نظر گرفتن واقعیت‌های عینی و فرهنگ و ارزش‌های اصیل جوامع، شرط اساسی پویایی، واقع‌نمایی و کارایی این‌گونه پژوهش‌ها در هر جامعه است. پژوهش کارآمد در جامعه ایران اسلامی در گرو شناخت واقعیت‌های جامعه از یک سو و اسلام به عنوان متقن‌ترین آموزه‌های وحیانی و اساسی‌ترین مؤلفه فرهنگ ایرانی از سوی دیگر است؛ از این رو، آگاهی دقیق و عمیق از معارف اسلامی و بهره‌گیری از آن در پژوهش، بازنگری و بومی‌سازی مبانی و مسائل علوم انسانی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است.

توجه به این حقیقت راهبردی از سوی امام خمینی(ره) بنیانگذار جمهوری اسلامی، زمینه شکل‌گیری دفتر همکاری حوزه و دانشگاه را در سال ۱۳۶۱ فراهم ساخت و با راهنمایی و عنایت ایشان و همت اساتید حوزه و دانشگاه، این نهاد علمی شکل گرفت. تجربه موفق این نهاد، زمینه را برای گسترش فعالیت‌های آن فراهم آورد و با تصویب شورای گسترش آموزش عالی در سال ۱۳۷۷ «پژوهشکده حوزه و دانشگاه» تأسیس شد و در سال ۱۳۸۲ به «مؤسسه پژوهشی حوزه و دانشگاه» و سال ۱۳۸۳ به «پژوهشگاه حوزه و دانشگاه» ارتقا یافت.

پژوهشگاه تاکنون در ایفای رسالت سنگین خود خدمات فراوانی به جوامع علمی ارائه نموده است که از آن جمله می‌توان به تهیه، تألیف، ترجمه و انتشار ده‌ها کتاب و نشریه علمی اشاره کرد.

کتاب حاضر به عنوان منبع درسی برای دانشجویان رشته‌های «تاریخ» و «تاریخ تمدن اسلامی» در مقطع کارشناسی و کارشناسی ارشد تهیه شده است. امید است علاوه بر جامعه دانشگاهی، دیگر علاقه‌مندان نیز از آن بهره‌مند گردند.

از استادان و صاحب‌نظران ارجمند تقاضا می‌شود با همکاری، راهنمایی و پیشنهادهای اصلاحی خود، این پژوهشگاه را در جهت اصلاح کتاب حاضر و تدوین دیگر آثار مورد نیاز جامعه دانشگاهی یاری دهند.

در پایان پژوهشگاه لازم می‌داند از مترجم گرامی، جناب آقای دکتر عبدالله ناصری طاهری و تلاش حجت‌الاسلام والمسلمین رسول جعفریان در تهیه طرح دولت‌های مسلمان و زمینه‌سازی ترجمه این اثر، تشکر و قدردانی کند.

فهرست مطالب

پیشگفتار	۱
سخن مترجم	۳

بخش اول: ابوییان در عصر صلاح الدین

فصل اول: تأسیس دولت ایوبی	۷
اوضاع سیاسی خاور نزدیک پیش از دولت ایوبی	۷
ریشه تاریخی ابوییان	۹
صلاح الدین وزیر در مصر	۱۲
نخستین مشکلات سیاسی صلاح الدین	۱۳
تهاجم صلیبی-بیزانسی به دمياط (۵۶۵ق/۱۱۶۹م)	۱۴
اوضاع داخلی مصر	۱۶
محاصره دمياط و ناکامی حمله	۱۷
نجم الدین ایوب، فرستاده نورالدین محمود به مصر	۲۰
سیاست صلاح الدین در مصر	۲۱
زمینه سازی برای تغییر مذهب	۲۱
پایان دولت فاطمی و روابط صلاح الدین و نورالدین	۲۴
روابط صلاح الدین و نورالدین محمود پس از دولت فاطمی	۲۴
کوشش های نهایی برای بازگرداندن حکومت فاطمی به مصر	۲۸
توطئه (جنبش) عماره یمنی	۲۸
قیام کنزالدوله	۳۱
سیاست خارجی صلاح الدین (۵۶۸-۵۶۹ق/۱۱۷۳-۱۱۷۴م)	۳۲

الحاق باختر نزدیک (مغرب الادنی)	۳۲
الحاق یمن	۳۳
فتح سرزمین نوبه	۳۵
فصل دوم: گسترش حکومت ایوبیان به سرزمین‌های شام و جزیره	۳۷
وضعیت سیاسی در سرزمین شام پس از مرگ نورالدین محمود	۳۷
دوراندیشی سیاسی صلاح‌الدین پس از مرگ نورالدین محمود	۳۹
صلاح‌الدین در سرزمین شام	۴۲
الحاق دمشق	۴۲
حملة صلاح‌الدین به حلب	۴۳
نبرد «قرون حماة»	۴۵
آخرین تلاش برای دور کردن صلاح‌الدین از سرزمین شام	۴۸
نبرد تل‌السلطان	۴۸
مرگ سیف‌الدین غازی دوم و فرمانروایی عزالدین مسعود اول	۵۱
تلاش‌های صلاح‌الدین برای انضمام موصل و حلب	۵۱
وضعیت سیاسی حلب پس از مرگ صالح اسماعیل	۵۲
اولین محاصره موصل	۵۴
انضمام سنجار	۵۷
دست‌آورد تصرف سنجار	۵۷
انضمام «آمد»	۵۸
انضمام حلب	۵۹
پیامدهای انضمام حلب	۶۰
محاصره دوم موصل	۶۰
پایان درگیری میان صلاح‌الدین و عزالدین مسعود اول	۶۳
اقدام برای الحاق خلاط	۶۳
الحاق میافارقین	۶۴
محاصره سوم موصل	۶۵
پیامد روابط صلاح‌الدین با خاندان زنگی	۶۶
فصل سوم: روابط ایوبیان با دولت‌ها و امارت‌های اسلامی	۶۷
رابطه با خلافت عباسی	۶۷
رابطه با سلجوقیان روم	۷۳

۷۳	 نخستین رویارویی صلاح‌الدین و قلیچ ارسلان دوم
۷۴	 رویارویی دوم صلاح‌الدین با قلیچ ارسلان دوم
۷۶	 قلیچ ارسلان دوم میان صلاح‌الدین و فردریک بارباروس
۷۹	 روابط با نزاریان
۷۹	 ریشه‌های تاریخی
۸۰	 اقدامات حشیشیان یا «نزاریان» بر ضد صلاح‌الدین
۸۴	 فصل چهارم: روابط ایوبیان و بیزانس
۸۴	 چرخش سیاسی بیزانس در برابر ایوبیان
۸۶	 نزدیک شدن ایوبیان و بیزانس در زمان اندرونیکوس کومنن
۸۸	 جلوس خاندان انجلیوس بر تخت پادشاهی قسطنطنیه
۸۹	 نزدیک شدن صلاح‌الدین و اسحاق دوم انجلیوس
۹۰	 گفتگوهای ایوبیان و بیزانس دربارهٔ حملهٔ سوم صلیبی‌ها
۹۳	 پیامد روابط ایوبیان و بیزانس
۹۵	 فصل پنجم: روابط صلیبی-ایوبی (دوره اول)
۹۵	 سیاست صلاح‌الدین در دفاع از مصر
۹۷	 شکاف در جبههٔ صلیبی (۵۷۰ ق/۱۱۷۴ م)
۹۸	 تجاوز صلیبی‌ها به قلمرو صلاح‌الدین (۵۷۰-۵۷۲ ق/۱۱۷۴-۱۱۷۶ م)
۹۹	 سلطنت صلیبی و مشکل جانشینی
۱۰۰	 حملهٔ صلیبی‌ها به حمص و حماة
۱۰۱	 حملهٔ صلیبی‌ها به حارم
۱۰۲	 نبرد رمله و پیامدهای آن
۱۰۳	 پیامدهای نبرد در رمله برای صلاح‌الدین
۱۰۴	 پیامد نبرد برای صلیبی‌ها
۱۰۵	 نبرد تل‌القازی
۱۰۷	 آتش‌بس میان صلاح‌الدین و بالدوین چهارم
۱۰۸	 فصل ششم: روابط ایوبیان و صلیبی‌ها (مرحله دوم)
۱۰۸	 پیروزی در حطین
۱۰۸	 تداوم اختلافات داخلی میان صلیبی‌ها
۱۰۹	 نقض پیمان آتش‌بس با صلاح‌الدین به دست رینالد شاتیون

۱۱۱	نبرد قلعه کوبک
۱۱۲	حمله صلاح‌الدین ایوبی به بیروت
۱۱۳	رینالد شاتیون در دریای سرخ
۱۱۴	حمله صلاح‌الدین به قلعه کرک
۱۱۶	وضعیت صلیبی‌ها پس از مرگ بالدوین چهارم
۱۱۷	مرگ بالدوین پنجم و تأثیر آن بر وضعیت صلیبی‌ها
۱۱۸	جنگ حطین
۱۱۸	نقض مجدد صلح رینالد شاتیون با مسلمانان
۱۲۱	برخورد در عین‌الجوزه
۱۲۳	آمادگی پیش از جنگ
۱۲۷	حوادث جنگ
۱۲۹	پس از جنگ
۱۲۹	علل پیروزی در جنگ حطین
۱۳۰	پیامدهای جنگ حطین
۱۳۴	فصل هفتم: روابط ایوبیان و صلیبی‌ها (مرحله دوم: پس از جنگ حطین)
۱۳۴	گشودن قلعه طبریه
۱۳۵	فتح عکا
۱۳۶	فتح شهرهای منطقه الجلیل
۱۳۸	گشوده شدن شهرهای ساحلی
۱۳۹	فتح عسقلان
۱۴۰	گشودن بیت‌المقدس
۱۴۵	محاصره صور
۱۴۷	گشودن کرک و شوبک
۱۴۸	حرکت به سمت شمال
۱۵۰	فصل هشتم: روابط ایوبیان و صلیبی‌ها (مرحله دوم)؛ صلاح‌الدین و جنگ سوم صلیبی...
۱۵۰	یاری خواستن صلیبی‌ها از اروپای غربی
۱۵۱	حرکت امپراتور آلمان، فردریک بارباروس، به سمت شرق
۱۵۳	محاصره عکا به دست صلیبی‌ها
۱۵۸	پادشاهان فرانسه و انگلیس در عکا
۱۵۹	سقوط عکا

۱۶۲	به دنبال سقوط عکا
۱۶۴	نبرد آرسوف
۱۶۵	نتایج نبرد آرسوف
۱۶۷	حوادث سیاسی پس از نبرد آرسوف
۱۷۴	نبرد یافا
۱۷۵	صلح رمله
۱۷۷	پیامد صلح رمله
۱۷۸	نتایج جنگ سوم صلیبی
۱۷۹	درگذشت صلاح‌الدین

۱۸۱	فصل نهم: شخصیت صلاح‌الدین
۱۸۱	ویژگی‌های نظامی صلاح‌الدین
۱۸۴	سیمای سیاسی و حکومتی صلاح‌الدین
۱۸۶	تأسیسات ساختمانی صلاح‌الدین
۱۸۹	تقوای صلاح‌الدین
۱۹۱	دربارهٔ زکات او
۱۹۱	حج او
۱۹۱	علم صلاح‌الدین

بخش دوم: ایوبیان در عصر جانشینان صلاح‌الدین

۱۹۵	فصل دهم: ملک عادل و یکپارچگی دوبارهٔ دولت ایوبی
۱۹۵	اوضاع دولت ایوبی پس از فوت صلاح‌الدین ایوبی
۱۹۷	منازعهٔ ایوبیان با یکدیگر

۲۱۰	فصل یازدهم: روابط ایوبیان با زنگیان و سلجوقیان در عهد عادل
۲۱۰	ازسرگیری دشمنی میان زنگیان و ایوبیان در پی مرگ صلاح‌الدین
۲۱۱	روابط در دوران ارسلان‌شاه اول (۵۸۹-۶۰۷ ق/۱۱۹۳-۱۲۱۱ م)
۲۱۱	رویارویی ایوبیان و زنگیان در ماردین
۲۱۳	پیمان چهارجانبه بر ضد عادل
۲۱۴	همکاری ایوبی-زنگی در محاصرهٔ ماردین
۲۱۵	درگیری دوباره با عادل
۲۱۸	مناسبات در دورهٔ عزالدین مسعود دوم (۶۰۷-۱۵۶۰ ق/۱۲۱۱-۱۲۱۸ م)

۲۱۹	مناسبات ایوبی-سلجوقی در عهد عادل
۲۱۹	درگیری در شمال شام
۲۲۳	تلاش کیکاوس برای پیشروی به حلب
۲۲۸	فصل دوازدهم: مناسبات ایوبیان و صلیبی‌ها در روزگار عادل
۲۲۸	برپایی دولت جدید بیت‌المقدس
۲۳۰	استمرار مناسبات دوستی میان ایوبیان و صلیبی‌ها در دولت بیت‌المقدس
۲۳۱	صلیبی‌های آلمانی (۵۹۳ق/۱۱۹۷م)
۲۳۶	تجدید پیمان صلح با دولت بیت‌المقدس (۵۹۴ق/۱۱۹۸م)
۲۳۷	مشکل به ارث بردن انطاکیه
۲۴۲	برخورد میان مسلمانان و صلیبی‌ها (۵۹۹-۶۰۱ق/۱۲۰۳-۱۲۰۴م)
۲۴۲	گروه‌های فلمینگی
۲۴۵	امضای مجدد پیمان صلح با دولت بیت‌المقدس (۶۰۱ق/۱۲۰۴م)
۲۴۷	زد و خورد با صلیبی‌ها در طرابلس
۲۴۹	صلح دوباره دولت بیت‌المقدس (۶۰۹ق/۱۲۱۲م)
۲۵۲	فصل سیزدهم: روابط ایوبی-صلیبی در اواخر عصر عادل و اوایل عصر فرزندش، کامل محمد
۲۵۲	حمله پنجم صلیبی به مصر و نتایج آن
۲۵۲	علل جنگ
۲۵۵	کنگره لاتیران
۲۵۷	موضع اشراف و پادشاهان اروپا درباره حمله
۲۵۸	پیشقراولان هجوم - پادشاه مجارستان در بلاد شام
۲۶۲	فراهم کردن تجهیزات لازم برای جنگ
۲۶۳	ورود صلیبی‌ها به دمیاط
۲۶۴	وضعیت در شام
۲۶۵	آغاز عملیات نظامی - سقوط برج سلسله
۲۶۷	درگذشت عادل
۲۶۸	وضعیت نظامی در دمیاط پس از سقوط برج سلسله
۲۶۹	وضعیت نظامی در بلاد شام پس از سقوط برج سلسله
۲۶۹	رسیدن کمک‌های صلیبی از اروپا
۲۷۰	سقوط عادلیه
۲۷۲	زد و خورد نظامی در مقابل دمیاط

۲۷۴	پیشنهاد صلح ملک کامل محمد به صلیبی ها
۲۸۰	سقوط دمياط
۲۸۱	تأثيرات سقوط دمياط
۲۸۴	وضعیت نظامی در شام پس از سقوط دمياط
۲۸۵	از سرگرفتن پیشنهاد صلح کامل محمد به صلیبی ها
۲۸۶	پیشروی صلیبی ها به سوی قاهره
۲۸۸	پیشنهاد صلح پلاژیوس به مسلمانان
۲۸۹	علل شکست حمله

۲۹۳	فصل چهاردهم: ایوبیان در دوره کامل محمد
۲۹۳	تجزیه دولت ایوبی میان فرزندان ملک عادل
۲۹۳	اختلاف میان پسران عادل
۲۹۹	پیشانی حالی در جزیره و شمال شام
۲۹۹	همکاری ایوبیان و سلجوقیان در مقابله با خوارزمشاهیان
۳۰۵	برخورد ایوبیان و سلجوقیان روم
۳۱۰	روابط میان ایوبی ها و صلیبی ها: جنگ ششم صلیبی
۳۱۴	فردریک دوم در عکا
۳۱۵	توافق یافا
۳۱۷	پیامدهای توافق یافا
۳۱۹	فردریک دوم در بیت المقدس
۳۲۰	بازگشت فردریک دوم به اروپا

۳۲۲	فصل پانزدهم: ایوبیان در زمان نجم الدین ایوب
۳۲۲	روابط داخلی شاهان و امرای ایوبی
۳۳۱	روابط ایوبی ها و سلجوقی ها
۳۳۵	روابط ایوبیان و صلیبی ها
۳۳۵	ورود گروه های فرانسوی به مشرق
۳۳۶	حمله صلیبی ها به جنوب شام
۳۳۷	جنگ غزه
۳۳۹	سرانجام کار گروه های فرانسوی
۳۴۰	ورود گروه های انگلیسی به شرق
۳۴۱	درگیری های داخلی میان صلیبی ها در شرق

۳۴۲	توافق دمشق‌ها و صلیبی‌ها
۳۴۳	پس گرفتن بیت المقدس به دست خوارزم‌شاهیان
۳۴۴	جنگ آریا
۳۴۵	بازگردانده شدن عسقلان به دست صالح ایوب
۳۴۶	جنگ هفتم صلیبی: حمله به مصر
۳۴۶	عوامل حمله
۳۴۸	مقدمات حمله
۳۴۹	سفر دریایی لویی نهم به مصر
۳۵۰	ورود صلیبی‌ها به دمياط
۳۵۳	حمله صلیبی‌ها به قاهره
۳۵۵	شکست صلیبی‌ها در منصوره
۳۵۶	سرانجام ایوبیان
۳۵۶	فرماندهی توران‌شاه در جنگ نهایی با صلیبی‌ها
۳۵۸	لویی نهم در اسارت
۳۵۹	کشته شدن توران‌شاه – پایان حکومت ایوبیان مصر
۳۶۰	ظهور دولت ممالیک در مصر
۳۶۰	ریشه ممالیک
۳۶۱	ممالیک در مصر
۳۶۳	اوضاع سیاسی مصر پس از کشته شدن توران‌شاه
۳۶۴	اوضاع سیاسی در بلاد شام پس از کشته شدن توران‌شاه
۳۶۵	مناسبات ایوبی-مملوکی در دوران شجرة الدر و المعز ايبک
۳۷۱	عهد منصور نورالدین علی
۳۷۲	دوران قدوز
۳۷۳	دوران رکن‌الدین بیبرس بندقدری
۳۷۴	مناسبات ایوبی-مغولی
۳۷۴	پیشروی مغول به طرف غرب
۳۷۵	مغول در عراق – سقوط بغداد
۳۷۶	مغول در شام – پایان حکومت ایوبیان
۳۸۷	منابع و مآخذ
۳۹۵	نمایه مکان‌ها و اعلام

پیشگفتار

دو نیاز، «پژوهشگاه حوزه و دانشگاه» را بر آن داشت تا طرحی را در زمینه تاریخ دولت‌های مسلمان عرضه کند: نخست آنکه در دروس کارشناسی و کارشناسی ارشد رشته‌های «تاریخ» و «تاریخ تمدن اسلامی»، عناوینی چند درباره شناخت تاریخ دولت‌های مسلمان وجود دارد که در خصوص بسیاری از آنها کتابی تألیف نشده است. بنابراین، عرضه کتاب‌های مناسب برای پرکردن این خلأ، ضروری به نظر می‌آمد. دوم آنکه امروزه با وجود جمهوری اسلامی ایران، شناخت پیشینه دولت‌های بزرگ اسلامی در طول تاریخ، بسیار سودمند و راهگشا است. دولت اسلامی ایران، که در امتداد دولت‌های بزرگ اسلامی قرار دارد و منادی احیای تمدن بزرگ اسلامی است، باید بر تجربه‌های به دست آمده تکیه کند و از آنها بهره‌مند گردد. بر این اساس لازم بود تا فهرستی از این دولت‌ها تهیه، و برای هر یک کتابی مناسب تألیف یا ترجمه شود.

گزینش این دولت‌ها براساس دامنه نفوذ آنها در ابعاد زمانی و مکانی صورت گرفته است؛ چنان‌که گاه برخی از آنها در شرق و برخی در غرب، سال‌ها قدرت سیاسی بزرگی را در اختیار داشته و در عرصه فرهنگ و تمدن اسلامی و جغرافیای سیاسی جهان نقشی مهم ایفا کرده‌اند.

پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

گروه تاریخ

سخن مترجم

پس از فروپاشی امپراتوری بزرگ سلجوقی که با مرگ ملک‌شاه در ۴۸۵ق/۱۰۹۲م رقم خورد، خاندان‌های حکومتگر مستقلی ظاهر شدند که پیش‌تر در خدمت سلجوقیان بودند. یکی از آن خاندان‌ها اتابکان زنگی موصل بودند که در مناطقی از عراق و شام حکومت می‌کردند. «آق سنقر» از یاران نزدیک ملک‌شاه بود که از جانب او به «قسیم‌الدوله» ملقب شد و امارت حلب را از مخدوم خود گرفت و فرزندانش، عمادالدین و نورالدین به‌ترتیب در موصل و حلب دو سلسله محلی اتابکان موصل (۵۲۱-۶۳۰ق/۱۱۲۷-۱۲۳۳م) و اتابکان حلب (۵۴۱-۵۷۷ق/۱۱۴۶-۱۱۸۱م) را تأسیس کردند. در نخستین سالی که اتابکان در حلب بودند، خاندان گروهی از کُردهای روادّی آذربایجان – که مقدر بود در آینده با نام «ایوبیان» بر بخش عظیمی از جهان اسلام حکومت کنند – به خدمت آنان درآمدند؛ از جمله دو برادر به نام‌های اسدالدین شیرکوه و نجم‌الدین ایوب. با ضعف دولت فاطمی در مصر و ورود اتابکان حلب در معادلات سیاسی مصر، این خاندان کُردنژاد در دولت فاطمی به منصب وزارت رسیدند و صلاح‌الدین، فرزند نجم‌الدین، مؤسس دولتی بزرگ به نام «ایوبیان» در مصر، شام و جزیرهٔ فراتیه شد.

این کتاب به تفصیل – که گاه هم برای خواننده تعب‌آور است – تاریخ این دولت بزرگ را از آغاز تا انجام گزارش کرده است. دکتر محمد سهیل طَقُوش نویسندهٔ محترم کتاب – که از استادان تاریخ دانشگاه لبنان است – در سلسله دروسی از تاریخ اسلام، سلسله‌های حکومتگر اسلامی را تحلیل کرده است. اطناب در سخن که گاه خواننده را می‌آزارد، دشمنی نسبت به تاریخ تشیع، و مبالغه دربارهٔ صلاح‌الدین ایوبی از ویژگی‌های اوست. دربارهٔ دولت ایوبی، پیش از او نویسندگان غربی و عربی، مانند استانلی لیبول، هامیلتون

گیپ، دیوید جاکسون، محمد مصطفی زیاده، السید الباز العرینی، سعید عبدالفتاح عاشور، زبیده محمد عطا و درید عبدالقادر نوری آثار خوبی برجای گذاشته‌اند. اما این کتاب که زمان چندانی از نشر آن نمی‌گذرد، جدیدترین اثر در این زمینه است که «پژوهشگاه حوزه و دانشگاه» به ترجمه و نشر آن مبادرت کرده است. نویسنده در پانزده فصل، زمینه‌های تاریخی شکل‌گیری دولت در مصر، ورود ایوبیان به شام و جزیره، روابط با دولت‌های اسلامی، بیزانس، صلیبی‌ها، شخصیت صلاح‌الدین و وضعیت دولت ایوبی پس از صلاح‌الدین را بررسی کرده است. از مسئولان محترم پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، به‌ویژه مدیر وقت گروه تاریخ، پژوهشگر ارجمند و فاضل، جناب حجت‌الاسلام والمسلمین استاد رسول جعفریان و همچنین جناب آقای علی‌اصغر محمدی سیجانی، کارشناس ارشد تاریخ و سرکار خانم فرحناز افضلی، کارشناس ارشد الهیات و معارف اسلامی که در این ترجمه همکار من بوده‌اند، سپاسگزاری می‌کنم. امید است ویرایش دوم این ترجمه برای دانش‌پژوهان و دانشجویان تاریخ اسلام مفید باشد.

عبدالله ناصری طاهری

پاییز ۱۳۹۰

بخش اول

ایوبیان در عصر صلاح الدین

(۵۶۹-۵۸۹ق/۱۱۷۴-۱۱۹۳م)

فصل اول

تأسیس دولت ایوبی

اوضاع سیاسی خاور نزدیک پیش از دولت ایوبی

نخستین مرحله وحدت سیاسی در خاور نزدیک، کمی پیش از تأسیس دولت ایوبی و با تلاش عمادالدین زنگی و پسرش، نورالدین محمود پشت سر گذاشته شد.^۱

در آن زمان به استثناء خلافت فاطمی مصر که رو به نابودی بود، دو امیرنشین صلیبی انطاکیه و طرابلس – که برخورد سخت مسلمانان با آنها، رمقی برای ایشان نگذاشته بود و نیروی بیزانس که به علت درگیری با سلجوقیان روم، خسته و فرسوده به نظر می رسید – دو نیروی اصلی برای تصاحب منطقه درگیری بودند.

نیروی نخستین، مسلمانان شام بودند که نورالدین محمود (زنگی) آنها را منسجم و متحد کرده بود و نیروی دوم، دولت صلیبی بیت المقدس به رهبری آموری اول بود.

جدال این دو نیرو بر سر تصرف مصر و رقابت آنها با یکدیگر برای غلبه بر منطقه شمال شرقی در اطراف فرات – جایی که نیروی قدرتمند اسلامی وجود نداشت – متمرکز بود. ولی ظهور زنگیان در شمال عراق و شام، صلیبی ها را وادار کرد از نیمه همان قرن به سمت جنوب غربی، یعنی مصر و دولت فاطمی پیشروی کنند. در نیمه قرن ششم قمری (دوازدهم میلادی) در مصر دگرگونی اقتصادی و سیاسی پدید آمد که به وخامت اوضاع آن سرزمین انجامید و نورالدین محمود در سه مرحله سپاهیان خود را برای رهایی از این وضع، به آنجا فرستاد.

یک ربع قرن پیش از سقوط فاطمیان، مصر شاهد بحران های اقتصادی متعددی بود. بخشی از این بحران ها از سوءتدبیر اقتصادی و دست اندازی وزیران بر اموال دولتی، و

۱. ر. ک: طقوش، تاریخ الزنکیین فی بلاد الشام و إقليم الجزیره.

بخشی دیگر از علل طبیعی مرتبط با کاهش یا افزایش آب نیل که اختلال در تولید، گرسنگی و شیوع وبا را در پی داشت،^۱ نشأت می‌گرفت.

این بحران‌ها در کنار مشکلات داخلی، ناشی از درگیری و رقابت وزیران بر سر قدرت بود؛ هرچند (تحقق آن) به یاری طلبیدن از نیروی خارجی و ضعف خلیفه فاطمی منجر می‌شد.

اقدام شاور، وزیر فاطمی در استمداد از نورالدین محمود در سال (۵۵۹ق/۱۱۶۴م) برای طرد صلیبی‌ها از مصر نشان‌پایان دولت فاطمی بود. نورالدین محمود اهمیت تصرف مصر را از دو جنبه سیاسی و اقتصادی درک کرد.

از منظر سیاسی دست‌اندازی آموری اول، پادشاه بیت‌المقدس به مصر، محاصره سرزمین شام از جنوب (بیت‌المقدس) و شمال (انطاکیه و طرابلس) را در پی داشت و این تهدیدی بزرگ برای وحدت مسلمانان بود. الحاق مصر به شام فرصتی در اختیار نورالدین قرار می‌داد تا بیت‌المقدس را از شمال و جنوب محاصره نماید، وحدت مسلمانان و آزادسازی سرزمین‌های اسلامی را محقق کند و از منظر اقتصادی، بهره‌برداری از منابع اقتصادی و انسانی مصر در جهاد با صلیبی‌ها بود که نورالدین را مجاب می‌کرد.

به علت تغییر بنیادی سیاست خارجی صلیبی‌ها، دوران آموری اول را باید آغاز مرحله‌ای جدید در نبرد آنان با مسلمانان تلقی کرد و این (تغییر سیاسی) علت سیاسی و اقتصادی داشت. از نظر سیاسی، با پیروزی‌های پی‌درپی نورالدین محمود در شام، آموری با بحران بزرگی که آغاز زوال سلطه صلیبی‌ها بود مواجه شد. بر این اساس او گسترش تصرفاتش به سمت مصر را ضروری دید^۲ و سیاست خود را در حمله به مصر متمرکز کرد تا در صورت دستیابی به آنها، امیرنشین‌های صلیبی را توسعه دهد از نظر اقتصادی، نیز تجارت بزرگ مصر و بندر اسکندریه که عامل توسعه این تجارت بود و نیز مسیر تجارت جهانی از مصر که بهترین و کوتاه‌ترین راه بازرگانی به شرق بود از ذهن او دور نماند.^۳ نبرد اسلامی-صلیبی در مصر در سه مرحله و در فاصله سال‌های ۵۵۸ق/۱۱۶۳م و ۵۶۴ق/۱۱۶۹م شکل گرفت.

این مراحل سه‌گانه که به فرماندهی اسدالدین شیرکوه و همراهی برادرزاده‌اش، صلاح‌الدین طی شد، نتایج ذیل را در پی داشت:

1. Michaud, *Histoire de Craisades*, II, p.217. 2. Stevenson, *The Crusaders in the East*, p.185.
3. Ehrnkretz, *Saladin*, p.17-18.

۱. سلطه نورالدین محمود زنگی بر مصر؛
۲. خروج نهایی صلیبی ها از مصر؛
۳. ورود صلاح الدین ایوبی به صحنه سیاسی.

ریشه تاریخی ایوبیان

ایوبیان به ایوب بن شادی از ساکنان شهرک دوین^۱ منسوبند. ساکنان این منطقه همه از کردهای روادای و تیره هذبانی هستند؛ قبیله‌ای از اشراف که سابقه بردگی ندارند.^۲ بعضی از ایوبیان در پی انکار کردی و اثبات عربیت خود از نسل بنی‌امیه بوده‌اند و گفته‌اند: «ما از اعراب هستیم که در کنار کردها ساکن شده، با آنها آمیخته‌ایم».^۳ احتمالاً این نسبت عربی پس از قیام دولت ایوبی ظاهر گشته است. بنا به روایت ابن ابی طی، معزین سیف‌الاسلام ابوالفداء اسماعیل بن طغتكین بن ایوب، پادشاه ایوبی یمن^۴ ادعا کرده که از نسل بنی‌امیه بوده است و قصد احیای خلافت آنان را داشته و بر این اساس لقب خلیفه را برای خود برگزیده تا مشروعیت حکومتش را آشکار کند.^۵ اما صلاح الدین این نسبت را نفی کرده و گفته: «ادعای او اصالت اساسی ندارد»^۶ و برادرش، ملک عادل ایوبی نیز با انکار نسب اموی ایوبیان، دیدگاه صلاح الدین را تأیید کرده است.^۷

برخی از تاریخ‌نگاران، میان خاندان ایوبی و گروه‌های ایرانی و قفقازی پیوندی قائلند و معتقدند پدر و عموی صلاح الدین، زمان ورود به ایران و عراق نه از شبانان، که از خبرگان سیاسی و اداری با سابقه فعالیت در سرزمین‌های پیشرفته بودند.^۸

ابن تغری بردی معتقد است نجم‌الدین ایوب و برادرش، اسدالدین شیرکوه اصالتاً از «دوین» منطقه‌ای در سرزمین عجم بوده‌اند و گفته می‌شود از کردهای روادای هستند که این

۱. شهرکی در نزدیکی مرز آذربایجان و غرب تفریس (حموی، معجم البلدان، ج ۲، ص ۴۹۱).

۲. ابن اثیر، التاریخ الباهر فی الدولة الأتابکیة فی الموصل، ص ۱۱۹؛ ابن خلکان، وفیات الأعیان، ج ۷، ص ۱۳۹؛ مقریزی، السلوک لمعرفة دول الملوك، ج ۱، ص ۱۴۸.

۳. ابن واصل، مفرج الکروب، ج ۱، ص ۵ و ۶.

۴. مدت حکمرانی از ۵۹۳-۵۹۸ ق/ ۱۱۹۷-۱۲۰۲ م بوده است.

۵. ابوشامه، کتاب الروضتین، ج ۲، ص ۲۵۰ و ۲۵۱.

۶. ابن خلکان، وفیات الأعیان، ج ۷، ص ۱۴۱.

۷. ابن واصل، مفرج الکروب، ج ۳، ص ۱۳۷. مطابقت شود با: مقریزی، السلوک لمعرفة دول الملوك، ج ۱، ص ۱۴۸ و ۱۴۹.

8. Minorsky, *Studies in Caucasian History*, p.109.

صحیح‌ترین نظر است.^۱ شاید وجود دو منطقه به نام دوین، یکی در ارمینیه و دیگری در حومه نیشابور، علت این اختلاف رأی شده است. مقریزی درباره اقدام بعضی از ایوبیان در پذیرش اصالت عربی و انکار ریشه کردی خود با قاطعیت می‌گوید: «این از القائنات فقیهان به آنها (ایوبیان) است تا در زمان پادشاهی، مورد عنایت ایشان قرار گیرند».^۲

خلاصه آنکه ایوبیان اصالتاً عرب نیستند، اما در زبان و احساس، عرب محسوب می‌شوند. آنها مسلمانانی هستند که در بیش از سه ربع قرن و در مهم‌ترین مراحل تاریخ جنگ‌های صلیبی نقشی مهم در تاریخ اسلام داشته‌اند.

خاندان ایوبی آغاز قرن ششم هجری (دوازدهم میلادی) از دوین نقل مکان کردند. زمانی که «شادی» به همراه پسرانش، ایوب و شیرکوه از آنجا به تکریت^۳ - که ظاهراً غالب سکنه آن گرد بودند - آمد، مجاهدالدین بهروز، شحنة تکریت، «شادی» را حاکم شهر کرد تا دوستی میان آنها پیوسته برقرار باشد. پس از مرگ «شادی» پسرش، نجم‌الدین ایوب جانشین او شد.^۴

ابن ابی طیء گزارش می‌کند که ایوب خدمت سلطان محمد بن ملک شاه سلجوقی نمود. سلطان هم در تکریم امانتداری‌اش، قلعه تکریت را اقطاع او کرد. با روی کار آمدن سلطان مسعود در بغداد، تکریت به بهروز خادم، شحنة بغداد واگذار شد. بهروز، نجم‌الدین ایوب را نگاهبان قلعه کرد و مسئولیت نظارت بر استان‌های هم‌مرز را نیز به او داد.^۵

پس از آن، اوضاع خاندان ایوبی دگرگون شد؛ زیرا عمادالدین زنگی، اتابک موصل، با هم‌پیمان خود سلطان مسعود سلجوقی در حمله به بغداد در سال ۵۲۶ ق/ ۱۱۳۱ م از لشکر خلیفه المسترشد بالله شکست خورد و به تکریت عقب نشست و با استقبال حاکم قلعه، نجم‌الدین ایوب، روبه‌رو شد. ایوب کشتی‌هایی چند به همراه کمک‌های دیگر در اختیار زنگی قرار داد تا او از دجله عبور کند.^۶ این همراهی و مساعدت نتایجی برای خاندان ایوبی داشت؛ زیرا خشم بهروز را که نتیجه مساعدت ایوب به زنگی را قیام در برابر سلطه بغداد می‌پنداشت، برانگیخت.

در همین زمان حادثه دیگری نگرانی بهروز را شدت بخشید و آن قتل بی‌دلیل و ناموجه یکی از غلامان بهروز به دست اسدالدین شیرکوه بود. بهروز ایوبیان را از قلعه

۲. مقریزی، کتاب المواعظ والاعتبار، ج ۳، ص ۴۰۴ و ۴۰۵.

۴. ابن خلکان، وفيات الأعیان، ج ۷، ص ۱۳۹ و ۱۴۰.

۶. ابن اثیر، التاریخ الباهر، ص ۱۱۹ و ۱۲۰.

۱. ابن تغری، النجوم الزاهرة، ج ۶، ص ۴.

۳. ساحل راست دجله در شمال سامرا.

۵. ابوشامه، کتاب الروضتین، ج ۲، ص ۲۵۲.

بیرون کرد. آنها که به موصل رفتند با خوشامدگویی و نیک رفتاری عمادالدین که در پاسخ به نیکی‌های گذشته ایوبیان بود، روبه‌رو شدند و اقطاعات فراوانی گرفتند و از آن پس به جرگه لشکریان او درآمدند. به نظر می‌رسد آن دو در جنگ‌های عمادالدین بسیار کوشیدند.

چون عمادالدین حکومت بعلبک را پس از آزادسازی آن از دست صلیبی‌ها در سال ۵۳۳ق/۱۱۳۹م به نجم‌الدین سپرد، این منصب تا مرگ زنگی در قلعه جَعْبَر^۱ در سال ۵۴۱ق/۱۱۴۶م ادامه داشت.

پس از آن، نجم‌الدین ایوب به منظور مستحکم کردن موضع خود به خدمت معین‌الدوله اُتر در دمشق درآمد؛ زیرا معین‌الدین به بعلبک طمع داشت و خواهان واگذاری آن بود. این در زمانی بود که سیف‌الدین غازی اول، فرزند و جانشین عمادالدین، به علت گرفتاری در سامان‌دهی امارتش، از بعلبک چشم پوشید. نجم‌الدین ایوب از ترس آنکه بعلبک به زور از او گرفته شود، بعلبک را به اُتر داد و در عوض آن، اقطاع الجلیل^۲ پول فراوان و اقامتگاهی در دمشق از او گرفت و دیری نپایید که فرمانده سپاهیان اُتر شد و این منصب را تا زمان غلبه نورالدین محمود بر دمشق در سال ۵۴۹ق/۱۱۵۴م عهده‌دار بود و از آن پس به خدمت نورالدین درآمد.^۳

برادر نجم‌الدین ایوب، اسدالدین شیرکوه در حلب خدمتگزار نورالدین محمود شد. نورالدین او را به خود نزدیک کرد و به او اقطاعاتی بخشید و به سبب شجاعت و جرأتش او را فرمانده سپاه کرد. این ارتقای منزلت ادامه داشت تا آنکه اقطاع حمص و رجه^۴ را به او بخشید.^۵ اسدالدین شیرکوه در تمام جنگ‌های نورالدین شرکت کرد و با تدبیر او دمشق به قلمرو نورالدین پیوست و دولت زنگی از آسیب و خطر صلیبی‌ها در نیمه سال ۵۴۱ق/۱۱۴۶م در امان ماند. از این دو برادر ایوبی، نجم‌الدین ایوب در دمشق و اسدالدین شیرکوه در حمص حاکم شد و نورالدین محمود پس از بیماری‌اش، دمشق را نیز به اسدالدین شیرکوه سپرد. منزلت این دو برادر روزافزون شد. نجم‌الدین ایوب جایگاه

۱. قلعه‌ای بر ساحل فرات میان بالسن و رقه که در قدیم به نام دوسر خوانده می‌شد (حموی، معجم البلدان، ج ۲، ص ۱۴۳).

۲. منطقه‌ای در فلسطین.

۳. ابوشامه، کتاب الروضتين، ج ۱، ص ۱۷۴ و ۱۷۵.

۴. رجه میان رقه و بغداد و در پنج‌منزلی حلب است و فاصله آن تا بغداد یکصد و تا رقه بیست و اندی فرسنگ

است (حموی، معجم البلدان، ج ۳، ص ۳۴). ۵. بنداری، سنا البرق الشامی، ص ۸۰.

بی‌رقیبی کسب کرد و اسدالدین شیرکوه، فرمانده سپاه زنگی در حمله به مصر برای الحاق آن به شام شد. در این لشکرکشی‌ها برادرزاده‌اش، صلاح‌الدین نیز همراه او بود. با پیروزی او در این مأموریت، منصب وزارت فاطمی را تا سال مرگش، ۵۶۴ق/۱۱۶۹م – که صلاح‌الدین جایگزین او شد – بر عهده داشت.^۱

با وزارت صلاح‌الدین در دولت فاطمی، صفحه‌ای جدید در تاریخ خاور نزدیک باز شد و در پی آن، کفه نیروی سیاسی و نظامی مسلمانان سنگین‌تر از صلیبی‌ها گشت.

صلاح‌الدین وزیر در مصر

خلافت اسدالدین شیرکوه بلندپروازی‌ها را تحریک کرد؛ از این رو پس از مرگ او رقابت بر سر منصب وزارت میان چند جناح پدیدار شد: - نظامیان دولت فاطمی که خواستار وزیری دیوانی (غیر لشکری) و مصری بودند تا بر او حاکم باشند؛

- بعضی از امیران ترک نورالدین محمود که در حمله به مصر همراه شیرکوه بودند، مانند قطب‌الدین اینال بن حسان منبجی، عین‌الدولة یاروقی، سیف‌الدین احمد مشطوب و دیگران؛

- شهاب‌الدین محمود حارمی، دایی صلاح‌الدین.

اینان به اعتلای منصب وزارت پس از درگذشت اسدالدین شیرکوه می‌اندیشیدند. هنگامی که صلاح‌الدین سکوت اختیار کرده بود، فقیه عیسی هکاری – که با پشتیبانی صلاح‌الدین خواهان نامزدی وزارت او بود – در میان دو جناح مشطوب و حارمی پیروز شد.^۲ خلیفه العاضد، صلاح‌الدین را جانشین عمویش کرد؛ زیرا باور داشت که کم‌سنی و بی‌تجربگی او به سرعت وادارش خواهد کرد تا به دولتمردان فاطمی اعتماد کند و صلاح‌الدین ۳۲ ساله و سیله‌ای در دست خلیفه برای غلبه بر طرفداران شیرکوه باشد. خلیفه به قاضی فاضل دستور داد تا سند وزارت را بنویسد و او را در ۲۵ جمادی‌الثانی ۵۶۴ق/۲۶ مارس ۱۱۶۹م به ملک‌الناصر ملقب کرد. حارمی هم به قانع کردن صلاح‌الدین اقدام کرد.^۳ با وزارت صلاح‌الدین به عنوان یکی دیگر از وزیران سنی دولت فاطمی، پدیده تسنن

۱. ابوشامه، کتاب الروضتين، ج ۲، ص ۶۸-۷۱.

۲. ابن‌واصل، مفرج‌الکروب، ج ۱، ص ۱۶۸.

۳. قلقشندي، صبح الأعشى، ج ۱۰، ص ۸۰-۱۰۰؛ ابن‌فرات، تاریخ الدول والملوک، ج ۱، ص ۵۷-۶۵.

که سلجوقیان حدود صد سال قبل آن را آغاز و زنگی‌ها تکمیل کرده بودند، به مصر کشیده شد.^۱

نخستین مشکلات سیاسی صلاح‌الدین

پس از وزارت صلاح‌الدین وقایعی در مصر پیش آمد که بیانگر گذار تاریخی این کشور بود. هنوز دولت فاطمی به پشتوانه نظامیان و دولتمردان پابرجا، و خطر صلیبی در نزدیکی دروازه‌های شرقی مصر، چون بختکی دولت را آزار می‌داد؛ بنابراین، تثبیت مواضع حکومتی ضرورت داشت تا وقت خود را به تحولات سیاسی بگذراند.

صلاح‌الدین به سرعت نشان داد که در اداره دولت بسیار شایسته است. او تمام اختیارات (حتی اختیارات خلیفه) را با راهکارهایی چون دلجویی از مصریان از طریق بخشش اموال، مطیع کردن غلامان اسدالدین شیرکوه و غلبه کامل بر سپاه و تقویت مرکزیت سپاه با کمک‌های نظامی نورالدین محمود – که در این رهگذر توران‌شاه برادر صلاح‌الدین با نیروی نظامی به او پیوست – به خود اختصاص داد.^۲

تدابیر او برای تقویت سیطره خود بر دولت و به حاشیه بردن خلیفه فاطمی به شورش مؤتمن‌الخلافة، فرمانده نظامیان سودان و بزرگ خواجهگان دربار، که پی برده بود در صورت ادامه این وضع، خلافت فاطمی منقرض خواهد شد، انجامید. احتمالاً مؤتمن‌الخلافة به جانشینی مشاور وزیر چشم داشت و آموری اول، پادشاه بیت المقدس، را به حمله کردن به مصر تحریک نمود و آرزو می‌کرد در صورت همراهی آموری، و بالطبع خروج صلاح‌الدین از قاهره برای مقابله با پادشاه صلیبی، با دستگیری مردان صلاح‌الدین بر مقام وزارت چنگ اندازد و مصر را با صلیبی‌ها تقسیم کند. از قضا صلاح‌الدین این توطئه را کشف و خنثی کرد و آن زمانی بود که یکی از اتباع صلاح‌الدین به کفش فرستاده مؤتمن‌الخلافة به نزد آموری اول شک کرد و نامه را درون آن جست. پس از آن مؤتمن‌الخلافة را دستگیر کرد و در پی فرصتی برای نجات از شر او برآمد. در نتیجه، این تحرکات در مصر، مسیحیان صلیبی را تشجیع کرد تا حمله دیگری را تدارک ببینند.^۳

۱. سید، تاریخ الدولة الفاطمية فی مصر، ص ۲۳۴ و ۲۳۵. ۲. ابن واصل، مفرج الکروب، ج ۱، ص ۱۷۴.
۳. اصفهانی، الفتح القسی فی الفتح القدسی، ص ۸۲ و ۸۳؛ ابن اثیر، الکامل فی التاریخ، ج ۹، ص ۳۴۵ و ۳۴۶.

تهاجم صلیبی-بیزانسی به دمیاط^۱ (۵۶۵ق/۱۱۶۹م)

آموری اول، معنای موفقیت نورالدین محمود در یکپارچه کردن مصر و شام را فهمیده بود. این امر ضمن آنکه برای دولت صلیبی بیت المقدس دردناک بود، جوّی از ترس و اضطراب را برای صلیبی ها به همراه داشت. آنها احساس می کردند در محاصره ای گزانبی از شمال شرقی و جنوب غربی قرار دارند. تسلط صلاح الدین بر مرزهای آبی شمال مصر، تهدیدی برای سیاست های دریایی صلیبی ها بود؛ به طوری که بخش شرقی مدیترانه تحت نفوذ مسلمانان قرار می گرفت.^۲

وخامت اوضاع به حدی بود که پادشاه صلیبی بیت المقدس از اروپا کمک خواست و در اوایل سال ۵۵۴ق/۱۱۶۹م سفیرانی به سمت فردریک بارباروس امپراتور آلمان، لویی هفتم پادشاه فرانسه، هانری دوم، پادشاه انگلیس، ویلیام دوم، پادشاه سیسیل و دیگر حاکمان اروپای غربی روانه کرد و از آنان خواست تا با حمله ای جدید موضوع صلیبی ها را در مشرق زمین دگرگون کنند. گفتنی است تقاضای آموری از نظر مسلمانان دور نماند.^۳ اوضاع نابسامان اروپا، خصوصاً درگیری کلیسا و امپراتوران، اجازه همراهی مسیحیان با آموری را نمی داد. آموری ناگزیر از امپراتور بیزانس امانوئل^۴ کمک خواست و او این تقاضا را با تجدید معاهده ۱۱۶۸م – که به وسیله ویلیام صوری واقعه نگار و به خاطر حمله به مصر تصدیق شده بود – با خوشی پذیرفت.

امپراتور بیزانس به واقع اشتیاق بیشتری از صلیبی ها در حمله به مصر داشت و نسبت به وحدت مصر و شام نیز کمتر نگران و ناراحت نبود؛ لذا خود، همراهی ناوگان بیزانس را در حمله به مصر، به آموری پیشنهاد کرد.^۵ آموری هم پیشنهاد او را با آرزوی بازپس گیری مصر، پذیرفت.

از سوی دیگر نورالدین محمود زنگی گرفتار مناطق شمالی بود. درگذشت امیر دیاربکر قراارسلان ارتقی در سال ۶۵۲ق/۱۱۶۶م و درگیری ورثه او با یکدیگر موجب اختلاف با برادرش، قطب الدین مودود، امیر موصل، شد. جنبش چندماهه غازی بن

۱. شهر قدیمی میان مصر (مرکز مصر) و تنیس (حموی، معجم البلدان، ج ۲، ص ۴۷۲).

۲. اصفهانی، الفتح القسی فی الفتح القدسی، ص ۸۲ و ۸۳.

۳. ابن اثیر، الکامل فی التاریخ، ج ۹، ص ۳۴۶؛ صوری، تاریخ الأعمال، ج ۲، ص ۹۳۸.

۴. از ۵۳۸-۵۷۶ق (۱۱۴۹-۱۱۸۰م) حکومت کرد. ۵. صوری، تاریخ الأعمال، ج ۲، ص ۹۳۸.

حسان، امیر منبج^۱ و مشکل ولایتداری موصل، پس از مرگ مودود، از جمله گرفتاری‌های نورالدین بود.^۲

امپراتور بیزانس ناوگان بزرگ دریایی خود را با هزینه سه ماهه که از نظر او زمان مطلوبی برای اجرای مأموریت بود، آماده کرد و در نیمه شوال ۵۶۴ ق/ژوئای ۱۱۹۶ م، از تنگه داردانل به سوی قبرس عزیمت کرد. این ناوگان که فرماندهش اندرونیک کنت استیفانو و معاون او موریس، معتمد امپراتور بود، در مسیر دریایی خود دو کشتی مصری را به اسارت گرفت و پس از رسیدن به قبرس، فرمانده آن، ده کشتی از طریق بندر صور به عکا فرستاد تا سپاهیان آموری اول را پشتیبانی و همکاری ناوگان بیزانس را برای حمله به مصر اعلام کند. این ناوگان بیزانسی تا سپتامبر همان سال در قبرس منتظر ماند.^۳ تأخیر آموری اول به علت لزوم رفع نابسامانی‌های کشورش بود که بر اثر حمله سال قبل به مصر رخ داده بود. همچنین می‌خواست شهبسواران مهمان‌نواز^۴ را به همراهی خود ترغیب کند؛ خصوصاً آنکه سواران معبد^۵ مخالف مشارکت در حمله به مصر بودند و بارون‌ها نیز جمعیت دینی خود را از دست داده بودند و علاقه‌ای به این مساعدت نداشتند.^۶

احتمالاً هیبت ناوگان بیزانس که احتمال غلبه آن بر مصر را تقویت می‌کرد، از دیگر علل تأخیر آموری بود. با این وصف پادشاه صلیبی بیت المقدس می‌دانست تسلط بیزانس بر مصر، امیرنشین‌های صلیبی را به اندازه نیروهای اسلامی مصر و شام تهدید نمی‌کند؛ بنابراین سلطه بیزانس بر مصر را بر حاکمیت مسلمانان ترجیح می‌داد.^۷ و از ناوگان بیزانس خواست تا به سمت عکا حرکت کند. حرکت عمومی صلیبی‌ها به مصر با هدف حمله به دمیاط در نیمه اکتبر آغاز شد.^۸

۱. شهری در سه فرسخی فرات و ده فرسخی حلب (حموی، معجم البلدان، ج ۵، ص ۲۰۵-۲۰۷).

۲. رانسیمان، تاریخ الحروب الصلیبیه، ج ۲، ص ۶۲۱. ۳. صوری، تاریخ الأعمال، ج ۲، ص ۹۳۹.

۴. آنها که به سواران قدیس یوحنا و در منابع عربی به «استباریه» معروف‌اند، یکی از گروه‌های مسلح دینی بودند که در سال ۴۹۲ ق/۱۰۹۹ م با هدف تیمار بیماران و حجاج تشکیل شد، ولی پس از مدتی صرفاً به فعالیت‌های مسلحانه پرداختند.

۵. این گروه که در منابع به داویه مشهورند، در سال ۵۱۲ ق/۱۱۱۸ م تشکیل شد.

۶. رانسیمان، تاریخ الحروب الصلیبیه، ج ۲، ص ۶۲۲ و ۶۲۳.

۷. عمران، محاضرات فی معالم التاريخ الاسلامی الوسیط، ص ۱۶۳ و ۱۶۴.

۸. صوری، تاریخ الأعمال، ج ۲، ص ۹۴۰.

اوضاع داخلی مصر

صلاح‌الدین با آگاهی کامل از حمله صلیبی‌ها، در دو محور از خود واکنش سریع نشان داد: نخست، او چون احتمال حمله صلیبی‌ها به بلبیس^۱ را می‌داد، در شهر مردان نظامی را مستقر و اسکندریه و قاهره را سنگربندی کرد؛ دوم از ترس حرکت‌های شیعی بر ضد خود و برای حفظ امنیت پایتخت، در قاهره ماند. دستور اعدام مؤمن‌الخلافة را صادر نمود و کلیه کارکنان قصر را که به طرفداری از خلیفه فاطمی معروف بودند، عزل و مردان خود را به جای ایشان و بهاء‌الدین قراقوش را که یک خواجه بود، به سرپرستی آنها تعیین کرد.^۲

صلاح‌الدین در نتیجه تدابیر حفاظتی برای مصر و دولتش، برای برکناری آن دسته از کارکنان دولتی که از کشته شدن مؤمن‌الخلافة خشمناک و سیاهان لشکر را به قیام واداشته بودند، دل قوی کرد. قیام و درگیری این سیاهان، به سود صلاح‌الدین تمام شد. او برادرش، توران‌شاه را به جنگ با آنها فرستاد. کشتن همگی سیاهان و آتش زدن پادگان محافظان ارمنی خلیفه و دستگیری آنها، از اقدامات توران‌شاه بود.^۳

خلیفه فاطمی که شاهد این وقایع بود، میان تأیید کارهای صلاح‌الدین و خودداری از همراهی با او دو دل بود. او ابتدا گمان می‌کرد نظامیان به‌زودی پیروز خواهند شد و او را از دست صلاح‌الدین نجات خواهند داد. بر این اساس به مأموران قصر دستور داد تا به سوی جنگجویان شامی تیر و سنگ پرتاب کنند؛ اما وقتی توران‌شاه او را به آتش زدن قصر تهدید کرد، تغییر موضع داد و از قصر بیرون آمد و گفت: «امیرالمؤمنین (خلیفه) بر شمس‌الدوله توران‌شاه درود می‌فرستد و می‌گوید این سگ‌غلامان را بگیرید و از سرزمینتان بیرون کنید».^۴

و بدین‌گونه صلاح‌الدین بر پاکسازی کانون‌های مقاومت و خیانت‌های نیروهای داخلی که مانع پیشبرد اهداف او بودند فائق آمد و با اطمینان، خود را وقف مقابله با هجوم صلیبی‌ها به مصر کرد.

۱. شهری که میان آن و دمیاط، فسطاط مصر است (حموی، معجم البلدان، ج ۱، ص ۴۷۹).

۲. ابن‌واصل، مفرج الکروب، ج ۱، ص ۱۷۵-۱۷۷. همان.

۳. همان.

۴. ابوشامه، کتاب الروضتين، ج ۲، ص ۱۳۳.

محاصره دمياط و ناکامی حمله

جنگجویان صلیبی که در عسقلان^۱ گرد آمده بودند، در محرم سال ۵۶۵ ق/ ۱۱۶۹ م، و از راه «فرما»^۲ روانه مصر و در کنار دریاچه «تنیس» به ناوگان بیزانس محلق شدند. صلیبی‌ها و ناوگان بیزانس در امتداد ساحل به سوی شهری که به فکر صلاح‌الدین خطور نمی‌کرد، یعنی دمياط پیش رفتند و در اول صفر ۲۵ نوامبر به آن شهر رسیدند.

نیروی زمینی در منطقه میان دریا و شهر اردو زد، ولی نیروی دریایی به علت وجود موانع آهنین میان دمياط و برج السلسله نتوانست به رود نیل نفوذ کند. همچنین دریانوردان بیزانسی نتوانستند به دمياط وارد شوند تا از عده و عده‌ای که از قاهره به دمياط می‌آمد، جلوگیری کنند.^۳

همین که صلاح‌الدین از حضور متحدان صلیبی در دمياط خبردار شد، سازوبرگ نظامی و آذوقه و نیروی جنگی به فرماندهی برادرزاده‌اش، تقی‌الدین عمر و دایی‌اش، شهاب‌الدین حارمی و همچنین تعدادی کشتی برای پشتیبانی دمياط گسیل داشت و همان وقت از نورالدین محمود کمک خواست. نورالدین نیز نظامیانی برایش فرستاد و بنا به عادت گذشته خواست با شبیخون به سنگرها و دژهای صلیبی‌ها در شام، از فشار بر دمياط کم کند.^۴ صلیبی‌ها با همه آمادگی و توان برای آغاز حمله سه روز درنگ کردند؛ زیرا در این مدت شهر دمياط پر از نیرو و ادوات نظامی شده بود، و این زمانی بود که امکانات بیزانس روبه کاستی می‌نهاد.

چون از آغاز سفر دریایی آنها در نیمه ژولای از تنگه داردانل فقط برای سه ماه امکانات داشتند و برای حکومت قبرس به علت حملات تخریبی رینالد شاتین و زلزله سال ۵۵۳ ق/ ۱۱۵۸ م امکان کمک‌رسانی نبود، چنان که دسترسی به کمک از بندر عکا منتفی بود؛ لذا توشه سپاهیان رو به اتمام بود.^۵ در نتیجه کنت استیفانو، فرمانده ناوگان بیزانس، به اتخاذ راهکاری فوری وادار شد، ولی آموری که با مشاهده استحکامات شهر و تدابیر مسلمانان در

۱. عسقلان یا عروس شام از شهرهای ساحلی فلسطین و میان غزه و بیت جبرین واقع است (حموی، معجم البلدان، ج ۴، ص ۱۲۲).

۲. فرما از شهرهای ساحلی مصر است (همان، ص ۱۵۵).

۳. عمران، محاضرات فی معالم التاريخ الاسلامی الوسیط، ص ۱۶۷.

۴. ابن اثیر، الکامل فی التاريخ، ج ۹، ص ۳۵۰؛ ابن شداد، النوادر السلطانية والمحاسن اليوسفية أوسيرة صلاح‌الدین، ص ۸۳.

۵. صوری، تاریخ الأعمال، ج ۲، ص ۹۴۱؛ رانسیمان، تاریخ الحروب الصلیبیه، ج ۲، ص ۶۲۵؛ عمران، محاضرات فی معالم التاريخ الاسلامی الوسیط، ص ۱۶۶.

تأمین عده و عُدّه آن وحشت زده شده بود، دربارهٔ حمله فوری به شهر تأمل کرد و خواست تا برج‌هایی برای محاصرهٔ بهتر شهر بنا کند. بدین‌گونه آرزوی متحدان صلیبی در غلبه بر دمیاط بر باد رفت و چون در نهایت کوشش باید به سمت آن پیشروی می‌کردند، برج‌های چوبی در هفت طبقه ساختند تا از فراز آن از رخداد‌های داخل شهر آگاهی یابند.^۱

قوای مسلمانان در برابر پیشروی متحدان صلیبی دست روی دست نگذاشت و برج‌هایی همانند برج صلیبی‌ها، برای نیروهای خود ساخت و با پاسخگویی شدید به تجاوزات صلیبی و در زمانی که عنصر روحیه معنویت و پشتکار در جنگ میان دشمن از بین رفته بود، موفقیت بسیاری به دست آورد.^۲ با توجه به اینکه ناوگان بیزانس نتوانست وارد شعبهٔ دمیاط (در نیل) شود و حمله کند، از پشتیبانی مفید نیروی زمینی نیز درماند.^۳ فرماندهان صلیبی و بیزانس تشکیل جلسه دادند و دربارهٔ حملهٔ گسترده به باروهای شهر بحث و جدل کردند. با وجود موافقت فرمانده بیزانس، آموری این رأی ماجراجویانه را پرخطر دانست و از پذیرش آن امتناع ورزید. بی‌پروایی کنت استیفانو باعث شد که فرماندهان صلیبی بپندارند او دمیاط را برای امپراتور بیزانس نمی‌خواهد.

دیری نگذشت که آذوقهٔ بیزانسی‌ها تمام شد و جز خرماهای اطراف شهر چیزی برای خوردن نداشتند که آن هم فقط تغذیهٔ سه روز آنها را تأمین کرد. نزدیک بود بیزانسی‌ها از گرسنگی هلاک شوند، این در حالی بود که در اردوگاه صلیبی‌ها، آذوقه فراوان بود و صلیبی‌ها به علت ترس از طولانی شدن جنگ و تحمل گرسنگی به بیزانسی‌ها بخل می‌ورزیدند و به آنها آذوقه نمی‌دادند.^۴ وزش باد و باران شدید، اوضاع نظامی را مختل کرد. اردوی صلیبی غرق در آب شد، ولی مسلمانان از بادهای جنوبی استفاده کردند و سوار بر اژدرافکن به بخش‌هایی از ناوگان بیزانس در حوزهٔ شمالی دمیاط در نیل حمله بردند و با وجود دخالت آموری اول برای به حداقل رساندن ضرر و زیان از طریق جدا کردن کشتی‌های جنگی از یکدیگر از سوی مسلمانان، خسارات فراوانی بر ناوگان دریایی وارد شد.^۵

۱. صوری، همان.

۲. همان.

۳. همان، ص ۹۴۱ و ۹۴۲.

۴. همان، ص ۹۴۳ و ۹۴۴؛ عمران، محاضرات فی معالم التاریخ الاسلامی الوسیط، ص ۱۶۶ و ۱۶۷.

۵. همان.